

فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره سوم (تابستان ۱۳۹۹)

تأثیر توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی درسبک زندگی خانواده‌ها بر کاهش میزان آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان

(تاریخ ارسال ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۶/۲۰)

لیلا نعمتی^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

سهیل سبزکار

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اهواز

سیده غزاله موسوی قهفرخی

کارشناسی ارشد روانشناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

توانمندسازی اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها اصلی ترین ارزش‌هایی است که باید در بنای یک زندگی سالم به آن توجه شود چراکه در نبود ارزشهای اخلاقی و تقویت آنها بنای شکل گیری شخصیت دانش آموزان به خطر افتاده و آزار رسانی به روح و روان آنها اتفاق می افتد از این نظر توجه به این امر لازمه یک خانواده سالم است. بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی رابطه توانمندی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها بر کاهش میزان آزاردیدگی هیجانی انجام گرفت. روش پژوهش کاربردی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری مشاوران دفاتر روانشناسی خانواده شهر اهواز می باشد که ۱۱۰ مشاور و دستیار مشاور به عنوان نمونه به روش هدفمند انتخاب شدند ابزارهای پژوهش چهار پرسشنامه توتنمندسازی اخلاقی، باورهای اخلاقی، سبک زندگی و آزاردیدگی هیجانی بود

که پایایی آنها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۱، ۰/۸۶ و ۰/۸۲ از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون از نوع معادلات ساختاری) استفاده شد. پژوهش نشان داد توانمندسازی اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها می‌تواند میزان آزرديدگی هیجانی دانش آموزان را کاهش دهد. همچنین باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها می‌تواند میزان آزرديدگی هیجانی دانش آموزان را کاهش دهد. توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها می‌تواند آزرديدگی هیجانی دانش آموزان را کاهش دهند و از آسیبها و پیامدهای منفی آزرديدگی در فرزندان جلوگیری کند.



واژگان کلیدی: توانمندسازی اخلاقی، باورهای اخلاقی، سبک زندگی خانواده،

آزرديدگی هیجانی

مقدمه

نهاد خانواده نخستین نهاد تربیتی است که رفتار آدمی را شکل می‌دهد. بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی^۱ و رفتاری انسان‌ها در خانواده ریشه دارد و در عین حال بسیاری از پیشرفت‌های بشر نیز از خانواده نشأت می‌گیرد. در طول دو دهه گذشته، رشته‌های مربوط به درمان مشکلات خانواده، توجه خود را از نقص‌ها و کمبودهای خانواده به توان‌مندی‌های آن معطوف داشته‌اند (والش^۱، ۲۰۰۲). که بر اساس این توانمندی‌های سعی بر آن دارد که نقاط ضعف را سامان دهد. در میان توان‌مندی‌های خانواده^۲، نقش شکل‌گیری و معناداری نظام‌های باور در بین اعضای خانواده در حل معضلات پیش روی خانواده و جامعه بسیار پر اهمیت است (رامین، ۱۳۹۴). از این نظر اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در سبک زندگی از توان‌مندی‌های خانواده محسوب می‌شوند که می‌توانند خانواده را از خیلی آسیب‌ها دور کند. توان‌مندی‌های اخلاقی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول اخلاقی درونی شده در والدین برای پذیرش مسئولیت اخلاقی و قانونی والدین از محافظت و تربیت فرزندان می‌باشد که خانواده ملزم به پذیرش آن هست و اگر کوتاهی کند به مسئولیت قانونی^۳ و اخلاقی خود عمل نکرده و کار غیراخلاقی انجام شده است و با گسترش و توسعه رفتار و برخوردهای غیر اخلاقی سبکی به دور از اخلاق در روال زندگی خانواده شکل می‌گیرد (عرب، ۲۰۱۲). وجود اخلاق به عنوان یک جنبه ذاتی در شخصیت افراد رخنه می‌کند به طوری که تعاملات اجتماعی فرد را با دیگران و اعضای خانواده تحت تاثیر قرار می‌دهد تا آنجایی که اخلاق با درونی شدن در فرد هویت او را نیز تشکیل می‌دهد و این امر رفتار افراد را با دیگران تحت الشعاع قرار می‌دهد و فرد سعی می‌کند بر اساس قضاوت‌های اخلاقی، مسئولیت اخلاقی و قانونی با افراد خانواده به خصوص فرزندان رفتار کند. اخلاق به صورت ذهنی و شناختی در ذهن فرد جای می‌گیرد به طوری که تمامی رفتارها و عملکردهای فرد را در قبال دیگران تحت تاثیر قرار می‌دهد و به شکل یک هنجار اخلاقی

۱ Walsh, F

بروز می‌یابد (تورویز و ماینارد^۱، ۲۰۱۰) وجود اخلاق در باور و مهارت‌های والدین می‌تواند به رشد هویت اخلاقی^۲ دانش‌آموزان نیز اثرگذار باشد و به آنها فرصت دهد در تعاملات اجتماعی^۳ با ارزشهای اخلاقی عمل و رفتار کنند (کاملا،^۲ ۲۰۰۹). بنابراین توانمندسازی اخلاق آموزش و القای مواضع اخلاقی است که با ارزشهای اصلی اجتماعی مانند مراقبت از دیگران و عدالت مطالبقت دارد (ساحلبرگ،^۳ ۲۰۱۵)؛ اما از آنجایی که اخلاق در درون افراد وجود ندارد لازمه آموزش آن اهمیت می‌یابد. مطالعات پژوهشگران نشان داده (تورویز و ماینارد، ۲۰۱۰) وجود توانمندسازی اخلاقی توانسته کیفیت مراقبت را افزایش و پریشانی اخلاقی را در افراد کاهش دهد (عباسی و همکاران، ۲۰۱۹) توانمندسازی اخلاقی علاوه بر کمک به والدین برای رهنمود رفتار و برخوردشان با دانش‌آموزان می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و ارائه حس مسئولیت‌پذیری در آنها دارد. بنابراین توانمندسازی اخلاقی به رشد فکری، معنوی و مشارکت فعال اعضای خانواده کمک می‌کند و می‌تواند با بالابردن آگاهی‌های لازم از طریق آموزشهای اخلاقی، اخلاق را در والدین درونی کند. توانمندسازی، خاتمه دادن به هر چیزی است که موجب توقف رشد، آزادی عمل، اعتماد به نفس می‌شود (فاضل و همکاران، ۱۳۹۵). با درونی شدن اخلاق در نگرش و باور والدین احساس مسئولیت آنها برای محافظت از فرزندان و اجتناب از آزار رسانی به آنها کاهش می‌یابد. والدین بر اساس باورهای اخلاقی احساس مطلوبی نسبت به فرزندان خود پیدا می‌کنند، کدهای اخلاقی را در تربیت و احساس و عاطفه نسبت به آنها را رعایت می‌کنند. باورهای اخلاقی یک احساس مثبتی بین والدین و فرزندان ایجاد می‌کنند. باورهای اخلاقی صداقت، دلسوزی، حس مسئولیت‌پذیری را در والدین ایجاد می‌کنند به طوری که آنان عواطف مثبت و قوی نسبت به فرزندان خود پیدا می‌کنند و در غیر این صورت آنان احساسات منفی نسبت به فرزندان خواهند داشت و دست به اعمالی مانند آزار هیجانی و عاطفی فرزندشان خواهند زد. کلبرگ بر این باور است که والدینی که بر

۱ Turowetz, J J, Maynard D. W

۲ Kamla-R

۳ Sahlberg, P

اساس اخلاق عمل می‌کنند حتی می‌توانند تفکر فرزندشان را با ارزشهای اخلاقی بهبود بخشند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۴) به عبارتی باورهای اخلاقی در والدین احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری ایجاد می‌کند اما غیر از این آنها را افرادی بی‌مسئولیت و بی‌تعهد جلوه می‌دهد. باورها و تعلیم اخلاقی در سبک انواع خانواده‌ها در یک طیفی متغیر است اما خانواده‌هایی که در سبک زندگی‌شان باور به اخلاق و ارزشهای آن وجود داشته باشد فرزندان از آسیب‌ها در امان خواهند بود. در حقیقت چگونگی پاسخ فرد به یک موقعیت اخلاقی ریشه در باورهای اخلاقی وی داشته و پاسخ فرد نشان دهنده ادراک فرد از موقعیت اخلاقی بر اساس باورهای اخلاقی است (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۲). آزاردیدگی هیجانی یکی از آسیب‌هایی است که در خانوادهایی اتفاق می‌افتد که مسئولیت و تعهد اخلاقی کمی نسبت به فرزندان خود دارند. انجمن تخصصی آمریکا آزاردیدگی هیجانی را الگوی تکراری از بدرفتاری هیجانی مراقب با کودک تعریف کرده است، به شکلی که این الگوی تکراری به کودک القاء می‌کند که فاقد ارزش، ناقص، دوست‌نداشتنی و ناخواسته است. آزاردیدگی و غفلت هیجانی یکی از آسیب‌های جدی به عملکرد و رشد دانش‌آموزان است که اغلب می‌توان آسیب‌های ناشی از آن را در زندگی بزرگسالی آنها نیز مشاهده کرد (کاپوتیسس، ۲۰۱۶). اهمیت موضوع اخلاق در وسعت دادن تعهد و مسئولیت والدین به فرزندان تا آنجاست که نبود اخلاق را معضلی برای آزار هیجانی دانش‌آموزان توسط فرزندان می‌باشد. اخلاق در سبک زندگی منجر به داشتن سلامت روان، سلامت جسم، سلامت اجتماعی و معنوی افراد خانواده می‌شود و زمانی که خانواده و محیط آن توأم با این سلامت چهارگانه باشد از وضعیت مطلوبی برخوردار است و شیوع آزارهای روانی، هیجانی نسبت به فرزندان در امان است. آزاردیدگی دانش‌آموزان یکی از چالش‌برانگیزترین فاجعه‌های اجتماعی است که توجه محققان سراسر جهان را به خود جلب کرده است (آگوستین و ابوباکر^۱، ۲۰۱۶-۲۰۱۷)؛ به طوری که آگوستین و ابوباکر (۲۰۱۶-۲۰۱۷) و نعمتی و همکاران (۱۳۹۸) معتقدند این آزاردیدگی هیچ جای امنی برای دانش‌آموزان باقی نذاشته

۱ Augustin S A, Abubaker I S.

است. آزاردیدگی از مدرسه، خانواده و یا محیط اجتماعی به دانش آموزان یا هر مکان دیگری توسط والدین، خواهران یا برادران، معلمان، مدیران و افراد جامعه بر دانش آموزان وارد می شود که منجر به آسیب فیزیکی، ذهنی و روانی و یا جنسی در دانش آموزان می شود. آزاردیدگی به عنوان یک مسئله هشدار دهنده با وجود برنامه های پیشگیری از آن، شاهد شیوع این مسئله هستیم. این آزاردیدگی سلامت روانی و عملکرد تحصیلی آنان را به خطر انداخته است که وجود این خطر باعث شده است که تلاشهای دولتی و غیردولتی برای این مسئله زیادتر شود (سیلویا لونگیل و داویسون، ۲۰۱۷). محققان اذعان دارد که آزاردیدگی در دانش آموزان با عملکرد و تنظیمات زندگی آنان ارتباط دارد به طوری که دانش آموزان وقتی مورد آزار قرار می گیرند از لحاظ روانی دچار آشفتگی می شوند و عملکرد احساسی، شناختی و اجتماعی آنان خدشه دار می شود بنابراین نظم زندگی کودک برهم می خورد و عملکردش ضعیف می شود (براون پاتریکیا^۱، ۲۰۱۶). آزار هیجانی هر نوع آزار یا غفلت حمایت در برابر آزار/غفلت را شامل می شود که بالقوه آسیب زاست؛ نسبت به رشد هیجانی کودک بی توجه است و با اثرات منفی طولانی مدت و عمیق عملکرد بدی رفتاری، هیجانی و رفتاری، هیجانی و اجتماعی مرتبط است (هارملن و همکاران^۲، ۲۰۱۰). آزار هیجانی و کودک آزاری به هر شکل که باشد پیامدها و عواقب ناگواری دارد، اما خطرات هیجانی آن بیش تر است (لعلی و عابدی، ۱۳۸۷) حتی مطالعات نشان داده است که فشار روانی زود هنگام زندگی، تغییرات دائمی را در مدارهای عصبی ایجاد می کند که سبب عدم یکپارچگی پردازش هیجانی، کنترل خودکار درون ریز، تنظیم برانگیختگی و گوش به زنگی شده و به افزایش واکنش نسبت به محیط، نقص شناختی، حساسیت تر مقابل درد، افسردگی، اضطراب و خواب آشفته منجر می شود (هین و همکاران^۳، ۱۳۸۷). مطالعات نشان داده است که دانش آموزانی که در محیط خانواده دچار آزاردیدگی هیجانی می شوند

۱ Patricia L

۲ Van Harmelen, Anne-Laura, Jong, Peter J, Glashouwer, Klaska A, Spinhoven, Philip, Penninx, Brenda. W. J. H & Elizinga. Brenet. M.

۳ Heim Ch, Wanger, D, Maloney E, Papanicolaou, Dimitris. A, Solomon, Laura, Jones, James. F, Uger, Elizabeth. R & Reeves, William. C

تعاملات اجتماعی و عملکرد آنان را آسیب می‌رساند (ابوس^۱، ۲۰۱۸) محققان نشان دادند بدرفتاری فیزیکی به عنوان استفاده عمدی از نیروی فیزیکی علیه یک کودک می‌تواند به سلامتی، بقا و توسعه کودک آسیب برساند. ضربات، ضرب و شتم، لگد زدن، تکان دادن، گاز گرفتن، سوزاندن، مسموم شدن و خاموش شدن، انواع سوءاستفاده‌های جسمی هستند. بدرفتاری فیزیکی پیش‌بینی شده بود که تاثیر منفی بر سازگاری آکادمیک و رفتاری دانش‌آموزان دارد. با وجود افزایش روزافزونی این آسیب‌روانی و اجتماعی و ادبیات و پیشینه پژوهش‌های در این زمینه اما باز هم خلاء مطالعاتی برای این مسئله وجود دارد. به طور اجمالی می‌توان گفت باورها، توانمندسازی اخلاقی و نگرش‌های والدین که سبک زندگی خانواده را که اعم از احساس و نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان می‌باشد می‌تواند عاملی مهم در کاهش آزارهای هیجانی دانش‌آموزان توسط پدر و مادر باشد (الاروسی و شاکویکی^۲، ۲۰۱۷). آزارهای هیجانی به عنوان یک آسیب‌روانی و اجتماعی می‌تواند به عزت نفس، اعتماد بنفس، امید به زندگی، خودکنترلی و عملکرد فرزندان لطمه وارد کند و حتی آسیب‌های بزرگی بر تنه و کیفیت زندگی آنان وارد کند به طوری که نتوان آن را جبران کرد. اما آنچه اهمیت این پژوهش را دوچندان ساخته این است، با وجود آگاهی‌های خانواده و اقدامات پیشگیرانه و آموزش‌هایی که در رابطه با توانمندسازی اخلاقی برای درونی کردن اخلاق در والدین و افزایش حس مسئولیت‌پذیری اخلاقی و محافظتی آنان از فرزندان که در این میان اجرا می‌شود، روزانه ما شاهد اتفاق این آزارها هستیم و این افزایش شیوع منجر به آن شده است که مطالعه و ضرورت انجام آن احساس شود.

بخش اول: روش پژوهش

این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه اجرا توصیفی از نوع همبستگی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل کلیه مشاوران دفاتر مشاوره و راهنمایی خانواده می‌باشد. نمونه پژوهش به صورت تصادفی و هدفمند ۱۱۰ نفر انتخاب شد. ابزارهای

۱ Abuse Neglect.

۲ Elarousy W, Shaiqi W

پژوهش شامل چهار پرسشنامه محقق ساخته توانمندسازی اخلاقی که شامل ۱۵ سوال، پرسشنامه باورهای اخلاقی محقق ساخته که متشکل از ۲۰ سؤال بود، پرسشنامه سبک زندگی محقق ساخته و آزاردیدگی هیجانی ۴۰ سؤالی بود. پایایی پرسشنامه‌ها به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۱، ۰/۸۶ و ۰/۸۲ از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد. روایی پرسشنامه در مطالعات دیگر مورد تایید قرار گرفته است و در این پژوهش نیز بر اساس نظر اساتید مورد تایید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون از نوع معادلات ساختاری) و نرم‌افزارهای SPSS, LISREL استفاده شد.

بخش دوم: یافته‌های پژوهش

قبل از بررسی روابط علی بین متغیرها، همبستگی آن‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت.

جدول (۱): نتایج ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	۱	۲	۳	۴
توانمندسازی روانشناختی	۱			
باورهای اخلاقی	۰/۵۲۵**	۱		
سبک زندگی	۰/۵۳۲**	۰/۷۸۷**	۱	
آزاردیدگی هیجانی	-۰/۴۸۶**	-۰/۷۵۸**	۰/۷۱۸**	۱

(**) سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است.

جدول ۲: برآوردهای ضرایب اثر مستقیم

t	خطای استاندارد برآورد	پارامتر استانداردشده	برآورد متغیرها
۲ ۴/۳	۰/۰۰۱	-۰/۷۸**	اثر مستقیم توانمندسازی اخلاقی بر: آزاردیدگی هیجانی
۸۶ ۳/	۰/۰۰۱	-۰/۹۰**	اثر مستقیم باورهای اخلاقی بر: آزاردیدگی هیجانی

$$*P < 0.05 \quad **P < 0.01$$

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲، اثر مستقیم توانمندسازی اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی دانش آموزان برابر با ۰/۷۸ - و با توجه به مقدار (t= ۴/۳۳) در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر مستقیم باورهای اخلاقی بر آزاردیدگی هیجانی برابر با ۰/۹۰ - و با توجه به مقدار (t= ۳/۸۶) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر مستقیم سبک زندگی بر آزاردیدگی هیجانی برابر با ۰/۷۸ - و با توجه به مقدار (t= ۵/۱۲) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

بخش سوم: اثرات غیرمستقیم

در این بخش با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۳ به بررسی سؤال‌های مرتبط با اثرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر می‌پردازیم. در ادامه جدول ۴ مربوط به اثرات غیرمستقیم ارائه می‌شود.

جدول ۳: برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم

t	خطای استاندارد برآورد	پارامتر استاندارد شده	برآورد متغیرها
۵۲ ۳/	۰/۰۱	-۰/۶۹**	اثر توانمندسازی اخلاقی بر آزر دیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی
۱۳ ۳/	۰/۰۱	-۰/۶۱**	اثر باورهای اخلاقی بر آزر دیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی

با توجه به نتایج به دست آمده اثر غیرمستقیم توانمندسازی اخلاقی بر آزر دیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی برابر با ۰/۵۹- و با توجه به مقدار (t= ۳/۵۲) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت متغیر توانمندسازی اخلاقی بر آزر دیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی تأثیرگذار است.

با توجه به نتایج به دست آمده اثر غیرمستقیم باورهای اخلاقی بر آزر دیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی برابر با ۰/۶۱- و با توجه به مقدار (t= ۳/۱۳) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت متغیر باورهای اخلاقی بر آزر دیدگی هیجانی با نقش میانجی سبک زندگی تأثیرگذار است.

بخش چهارم: پرازش مدل

ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) ۱ شاخص دیگری است که برای مدل های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل های ضعیف بالاتر از ۰/۱ است (براون و سودک، ۱۹۹۳). همچنین بر اساس یک قاعده کلی،

۱. Root Mean Square Error of Approximation

شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI) ۱، نرم شده برازندگی (NFI) ۲، نرم نشده برازندگی (NNFI) ۳، نیکویی برازش (GFI) ۴ و نیکویی اصلاح‌شده (AGFI) ۵ برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ خواهند بود. مقادیر بالای ۰/۸۰ نیز نشان‌دهنده برازش نسبتاً خوب یا متوسط مدل هستند. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل

مقادیر محاسبه‌شده	شاخص
۲/۲۹	مجذور کای
۰/۰۵۷	معناداری
۰/۰۷	ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)
۰/۹۲	شاخص برازش استاندارد (NFI)
۰/۸۸	شاخص نرم نشده برازش (NNFI)
۰/۹۴	شاخص تطبیقی برازش (CFI)
۰/۹۱	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۴	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)

از تقسیم مجذور کای بر درجات آزادی شاخصی به دست می‌آید که چنانچه کوچک‌تر از ۳ باشد قابل قبول می‌باشد. با این حال از آنجاکه این شاخص برازش تحت تأثیر حجم نمونه و همبستگی‌های موجود در مدل است، از سایر شاخص‌های برازش از جمله ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نرم شده برازش (NFI)، شاخص نرم

۱. Comparative Fit Index

۲. Normed Fit Index

۳. Non-Normed Fit Index

۴. Goodness of Fit Index

۵. Goodness of Fit Index

نشده برازش (NNFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI) و نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) نیز استفاده می‌گردد. بر اساس نتایج به دست آمده با توجه به اینکه مقدار ($RMSEA=0/072$) است می‌توان برازش مدل را مطلوب دانست. همچنین در سایر شاخص‌ها از جمله (CFI، NFI، GFI و AGFI) نتایج بالاتر از $0/90$ می‌باشد که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشند.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها بر کاهش میزان آزاردیدگی هیجانی انجام گرفت. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که توانمندسازی اخلاقی بر کاهش آزاردیدگی مؤثر هستند. این امر بدان معنی است که توانمندسازی اخلاقی به‌عنوان یک رهنمود اخلاقی والدین را برای رفتارهای اخلاقی و منطقی هدایت می‌کنند و آن‌ها در گفتار و رفتار خود با فرزندانشان اخلاقی برخورد خواهند کرد. توانمندسازی اخلاقی در فرآیند و سیر زندگی با فرزندان، به والدین حس مسئولیت‌پذیری اخلاقی و قانونی همراه با حس محافظت و تعهد نسب به فرزندان را می‌دهد و این امر میزان بدهنی، بد رفتاری و آزارهای هیجانی آنان نسبت به دانش آموزان را کاهش می‌دهد. توانمندسازی اخلاقی به والدین صداقت، احترام، اعتماد متقابل را در رابطه با رفتار و برخورد با کودک می‌دهد اما بدون اخلاق و ارزش‌های مرتبط با آن شاید رفتاری بی مسئولانه همراه با آزار را به همراه داشته باشد. در استناد به این پژوهش می‌توان گفت محققان معتقدند (۳) که اثربخشی آموزشهای توانمندسازی اخلاقی به‌عنوان یک ضرورت برای نحوه برخورد با دانش آموزان و شکل دهی شخصیت آنان بسیار مهم و حیاتی است و این امر از طریق آموزش اخلاق و ارزشهای آن صورت می‌پذیرد. آموزش توانمندسازی اخلاقی هسته اصلی آموزشهای علنی، اجتماعی، مذهبی و سبک زندگی محسوب می‌شود که کلیه توانمندیهای انسان را در راستای اخلاقی عمل کردن هدایت می‌کند. توانمندسازی اخلاقی همان چیزی است که مسئولیت رشد فردی و اخلاقی والدین را نسبت به فرزندان افزایش می‌دهد

نتایج نشان داد که والدینی که نگرش و باور به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی داشته باشند خانواده سالمی خواهند داشت و در محیط عاری از تنش و استرس فرزندان با سلامت روانی خواهند داشت. والدینی که باور و پایبندی به اخلاق دارند حس مسئولیت‌پذیری، تعهد، ایمان را به فرزند آنان را از آزارهای هیجانی حتی در حالت خفیف آن‌که بددهنی و دادن القاب بد است دور نگاه می‌دارد. بنابراین بر اساس این فرض پژوهشی می‌توان گفت اخلاق و ارزش‌های اخلاقی که نگرش و باور والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهند عاملی مهم برای کاهش آزارهای هیجانی به فرزندان از سوی والدین می‌باشد این رهیافت با پژوهش (۹) همسو می‌باشد چراکه به نتایج مشابیهی دست یافتند.

بررسی حاصل نشان داد که سبک زندگی مطلوب و سالم یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند میزان آزارهای هیجانی والدین نسبت به فرزندان را کاهش دهد. سبک زندگی مطلوب که افراد خانواده از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی برخوردارند، رفتارها و کردار آنان با یکدیگر بر سلامت اجتماعی استوار است و امید به زندگی و ایمان و اعتقاد در آنان بیشتر است معضلات اخلاقی مانند آزارهای هیجانی وارده بر فرزندان در آنان کمتر به چشم می‌خورد. از آنجایی که متغیرهای نامبرده توانسته‌اند بر کاهش شیوع آزاردیدگی هیجانی اثرگذار باشند بنابراین توجه به این فاکتورهای مهم برای سلامت جامعه که در گروه سلامت خانواده و سلامت خانواده وابسته به سلامت والدین و فرزندان است حائز اهمیت است. هر پژوهشگری در مطالعات خود با محدودیت‌های روبه‌رو می‌شود که این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نبوده است اما با وجود این محدودیت‌ها پیشنهادهایی ارائه کرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. پیشنهاد می‌شود آموزش‌های بلندمدت و مستمر از طریق برنامه‌های آموزشی، نشست‌های علمی، دعوت از متخصصان و مشاوران در برنامه‌های تلویزیونی، جلسات انجمن اولیا و مربیان در راستای پیشگیری از آزارهای هیجانی وارده بر فرزندان توسط والدین از طریق توجه به فاکتورهای اخلاقی و آموزش‌های توانمندسازی اخلاقی و سبک زندگی سالم تدوین گردد. آموزش‌های مهارت‌های زندگی، سبک زندگی (سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)، در راستای درونی کردن اخلاق در والدین انجام گیرد تا بتوان از پیامدهای منفی آزارهای هیجانی که می‌تواند نسل به

نسل انتقال یابد، تدوین و به‌صورت برنامه‌های همگانی اجرا شود تا بتوان در بیداری همگانی در راستای پیشگیری بیشتر از این معضل اخلاقی و آسیب اجتماعی در دانش‌آموزان معصوم جلوگیری به عمل آورد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

برای رعایت اصول اخلاقی همه شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش و اختیاری بودن شرکت در آن مطلع شدند. به همه آن‌ها اطمینان داده شد اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه خواهند ماند.

مشارکت نویسندگان

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی مشاوران و روانشناسان خانواده دلسوز و متعهد که در این پژوهش ما را یاری رساندند سپاسگزاری و قدردانی به عمل می‌آورند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Reference:

- Walsh, F. (۲۰۰۲) A Family Resilience Framework Innovative Practice Applications. Family Relations. New York Guilford Press.
- Ramin, Farah. (۲۰۱۳). The Ethics behind Emerging Families, Mahdavi Research ۸ (۱۳):p. ۱۳, ۶۵-۶۵.
- Arbab, S. (۲۰۱۲). Moral empowerment : elements of a conceptual framework for education. Doctoral thesis , Institute of Education, University of London.
- Turowetz, J J, Maynard D. W. (۲۰۱۰). Morality in the social interactional and discursive world of everyday life. In S. Hitley & S. Vaisey (Eds.), Handbook of the sociology of morality (pp. ۵۰۳-۵۲۶). New York: Springer.
- Kamla-R. (۲۰۰۹). Moral Education of the Child: Whose Responsibility? S. E. Oladipo, , ۲۰(۲): ۱۴۹-۱۵۶
- Sahlberg, P. (۲۰۱۵). Finnish lessons ۲۰: What can the world learn from educational change in Finland? New York: Teachers College Press.
- Fazel, A, Kamalian, AR, Roshan, A. (۲۰۱۴). The Relationship between Ethical Leadership and Student Empowerment, Journal of Ethics in Science and Technology; ۱۱ (۳): ۳, ۶۸-۵۹.
- Taghizadeh H, Soltani F, Gholamreza. (۲۰۱۳). The Role of Employee Identification and Ethical Beliefs in Functional Outcomes of Ethical Leadership, Ethics in Science and Technology; ۱۰ (۴): p.۱۰۷-۹۷. (In Persian)
- Alokani F B, Olatunji I. C. (۲۰۱۴). Influence of child abuse on classroom behaviours and academic performance among primary

and secondary school students. *European Scientific Journal*; ۱۰ (۱۰), P.۱۳۱-۱۴۰.

- Augustin S A, Abubaker I S. (۲۰۱۷-۲۰۱۶). The effects of child abuse on the academic of school children: Implication on the Nigerian economy. *Asia Pacific Journal of Education, Arts and Science*; ۳(۳): P. ۲۳-۲۷
- Sylvia Lungile D, Davison M. (۲۰۱۷). Effects of Child Abuse on the Academic Performance of Primary School Learners in the Manzini Region, Swaziland, *World Journal of Education*; ۷ (۵).
- Van Harmelen, Anne-Laura, Jong, Peter J, Glashouwer, Klaska A, Spinhoven ,Philip, Penninx, Brenda. W. J. H & Elizinga. Brenet. M. (۲۰۱۰). Child abuse and negative explicit and automatic self-associations :The cognitive scars of emotional maltreatment, *Behavior Research and Therapy*; ۴۸ (۲۷): P. ۴۸۶-۴۹.
- Elarousy W, Shaqiqi W (۲۰۱۷) Effect of Physical Abuse on Academic Achievement among Secondary School Female Students in Jeddah. *J Comm Pub Health Nursing* ۳: ۱۶۶.